

## برنامه ریزی درسی با رویکرد اخلاقی

فهیمه حاج انوری<sup>۱</sup>، میترا ملکی<sup>۲</sup>، فاطمه حاج انوری<sup>۳</sup> و مریم جهان پناه<sup>۴</sup>

کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر  
 کارشناسی زیست شناسی جانوری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان  
 کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هیدج  
 کارشناسی ارشد زیست شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان  
 Email: fahime2050@gmail.com

### چکیده

تربیت اخلاقی یکی از ابعاد مهم تربیت و از مهم ترین مسائل آموزشی و پرورشی است. برای دستیابی به اهداف مهم این بُعد تربیت، به ارائه الگویی در زمینه برنامه درسی تربیت اخلاقی نیاز است. نیل به الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه های اخلاقی که هدف اصلی پژوهش است، می تواند نیل به طراحی برنامه درسی جامع در زمینه تربیت اخلاقی را فراهم سازد این پژوهش با هدف برنامه ریزی درسی با رویکرد اخلاقی انجام شد. اخلاق نقش بسیار مهمی در سعادت فردی و اجتماعی انسان دارد. علم اخلاق علم شناخت ارزشها و ایجاد دگرگونی در زندگی انسان است و ضروری ترین علومی است که انسان بدان نیازمند است؛ یعنی اگر کسی فاقد اخلاق انسانی باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزش اخلاق برای رساندن انسان به سعادت فردی و اجتماعی، امری بسیار ضروری است، و رشد سازندگی فکری و اخلاقی انسان، از طریق روش های مختلف آموزش و زیر سایه تعلیم و تربیت محقق می شود. امروزه رویکرد اخلاقی به منزله یکی از مهمترین رویکردها در قلمرو برنامه ریزی درسی به شمار می رود. در این رویکرد، برنامه های درسی ابزاری مؤثر در رشد و توسعه فضایل اخلاقی و مهارت های اجتماعی در فراگیران است و آنان را برای برخورد مناسب با مسائل و موضوعات جدید آماده می سازد.

کلیدواژه ها: برنامه ریزی درسی، رویکرد اخلاقی

## ۱- مقدمه

تربیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین مسائل آموزشی و تربیتی می‌باشد. دستیابی به این هدف بزرگ در نهاد آموزش و پرورش، نیازمند نقشه‌ای است که در ادبیات علوم تربیتی، به آن برنامه درسی می‌گویند. این طرح و نقشه، زمانی می‌تواند آن نهاد را به اهداف مطلوب خود برساند که بر مبانی، اصول و شیوه‌های دینی و ارزشی فرهنگ حاکم بر آن کشور استوار باشد. تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است (اجتهادی، ۱۳۷۴). مشخصه جامعه سالم و توسعه‌یافته، صرفاً به داشتن موقعیت جغرافیایی خوب و معادن متنوع و منابع مالی نیست، بلکه جامعه سالم و توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که دارای نظام تعلیم و تربیت پویا بانشاط، زنده و مترقی است. چنین نظامی می‌تواند انسان‌های آزاد، مستقل، اخلاقی، و مبتکر بسازد که جامعه را به سامان مادی و تعالی معنوی برساند. تعالیم اسلام به تربیت جان و پرورش روح آدمی توجه ویژه‌ای دارد؛ زیرا انسان در پرتو تربیت نفس و تزکیه روح، به مراحل کامل انسانیت دست می‌یابد و سرانجام به فلاح و سعادت ابدی نایل می‌شود. (اخلاقی و همکاران؛ ۱۳۹۰). از این رو، امروزه نیاز بشر به تزکیه و پرورش، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است. بر این اساس، دانش‌آموزان اماناتی در دست مراکز آموزشی هستند که این مراکز سهم مؤثری در شکوفایی استعدادها، بروز خلاقیت و تربیت اخلاقی آنها دارند که در سایه آگاهی و بصیرت حاصل می‌شود. بنابراین، نهاد آموزش و پرورش، که یکی از گسترده‌ترین نهادهای اثرگذار و جهت‌دهنده در همه کشورهای است، با توجه به مخاطبان فراوان و مستعدی که دارد و با توجه به رسالت‌های آموزشی و پرورشی خود، باید برنامه تربیت اخلاقی را جزء اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسائل آموزشی و تربیتی خود قرار دهد. این ضرورت، که برخاسته از نقش و جایگاه اخلاق در حیات انسانی است، زمانی مورد تأکید قرار می‌گیرد که وظیفه اصلی این نهاد را احیای فطرت دینی انسان‌ها بدانیم؛ چرا که رسالت متولیان امر تعلیم و تربیت، بیدار کردن فطرت انسان‌ها و پاک کردن غبار غفلت از آنهاست تا انسان حضور خدا را در زندگی و از درون خود لمس کرده، گرایش او به دین و اخلاق آشکار گردد. امروزه یکی از دغدغه‌های موجود در نظام‌های آموزشی، چگونگی تربیت اخلاقی است. (مهرمحمدی، محمود ۱۳۹۲). در بحث تربیت اخلاقی، صرف شناخت ضرورت و جایگاه آن در میان ابعاد تربیت، مطرح نیست. امروزه مسئولان و برنامه‌ریزان، به دنبال راهکار عملی برای حل این مشکل هستند. به نظر می‌رسد «برنامه درسی»، در این زمینه می‌تواند نقش هماهنگ کننده همه عوامل دخیل در تربیت را ایفا نموده، کارساز باشد. برنامه درسی همواره بین دو نیروی انسانی - معلم و شاگرد - در تعلیم و تربیت رابطه برقرار می‌کند، و می‌توان از آن به منزله قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش یاد کرد. برنامه درسی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات و مسائل آموزش و پرورش رسمی به شمار می‌رود. به عقیده نگارنده، برنامه درسی را باید بر پایه اصلی تعلیم و تربیت دانست و به نظر می‌رسد کیفیت آموزش و پرورش یک جامعه را از روی محتوای برنامه تحصیلی آن در مقاطع مختلف، ارزیابی می‌کنند. عصر کنونی، عصر بحرانها و چالشهای بنیان افکن است. بشر امروز برای رسیدن به تعادل روانی و موفقیت در روابط فردی و اجتماعی چاره‌های جز روی آوری، به اخلاق و تربیت اخلاقی ندارد. امروزه رویکرد اخلاقی به منزله یکی از مهمترین رویکردها در قلمرو برنامه ریزی درسی به شمار می‌رود. بنابراین، ارزشیابی باید جهت گیری صریح ارزشی داشته باشد و طراحی آن با هدف کمک به ارتقای علمی و بهبود برنامه‌ها از طریق خود ارزشیابی صورت پذیرد. با توجه به تحولات عظیمی که در عرصه‌های علمی - آموزشی در حال وقوع است، وظیفه و مسئولیت بزرگ دانشگاه فرهنگیان تربیت فارغ‌التحصیلانی است، که با درک عمیق از جهانی شدن آموزش در دهکده جهانی و با کسب آگاهی از دانش متحول کنونی و نیازهای جامعه، به‌طور اثربخش و با واقع‌نگری، با ارائه برنامه‌های آموزشی در پایه‌های مختلف به جامعه کمک نماید. چرا که برنامه‌های درسی آینه تمام نمای پیشرفت و انعکاسی از پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند. (بیکاس سی، سانیا، ۱۳۷۷)؛

## ۲- بیان مسئله

از عوامل مؤثر در توسعه نظامند آموزش عالی و بهبود کیفیت آن، برنامه درسی است. برنامه درسی هسته اصلی تمام برنامه‌ها، و محور همه فعالیت‌های آموزشی است و می‌توان از آن به عنوان قلب تپنده نظام تربیتی یاد کرد. نقش برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی، فراهم آوردن تجربیاتی است جهت توسعه صلاحیت‌ها و مهارت‌های لازم در دانشجویان تا بتوانند مسائل را تشخیص داده و برای آنها راه حل پیدا کنند. (توانا، داریوش ۱۳۷۳). طراحی برنامه‌های آموزشی یا درسی باید با توجه به نیازهای واقعی کسانی که از این خدمت استفاده می‌کنند، صورت پذیرد و اهداف آموزشی با نیازهای علمی مصرف‌کنندگان این خدمت مرتبط باشد. بازنگری برنامه‌های درسی، سازوکاری است که اصلاح مداوم روش‌ها را در آموزش عالی تضمین می‌کند. تعیین ارزش برنامه حول محورهای زیر انجام می‌گیرد.

۱- آیا برنامه درسی مقصودی را که به خاطر آن الگو پردازی شده است، برآورده می‌سازد؟ آیا این مقاصد روایی دارند؟

۲- آیا برنامه درسی برای گروه معینی از فراگیران که برایشان مورد استفاده قرار گرفته، مناسب است؟

۳- آیا مدل‌های آموزشی انتخاب شده به هدف‌های مورد جستجو بهترین انتخاب است؟

ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از فرایند بررسی ارزش و شایستگی برنامه درسی. بررسی و مطالعه ارزش و شایستگی هم شامل عناصر و جنبه‌های خاص برنامه درسی و هم کل برنامه درسی می‌شود. برنامه‌ریزی درسی، نیازمند بررسی و کنترل کیفیت می‌باشد. لذا ضروری است با بررسی تمام ابعاد و عناصر برنامه‌های درسی، اصلاحات لازم در برنامه درسی و یا اجزای آن صورت پذیرد. ارزشیابی از برنامه درسی فرایندی مداوم و مستمر است که از ابتدا تا پایان برنامه درسی انجام می‌پذیرد. در فرایند شکل‌گیری مفهوم برنامه درسی، صاحب‌نظران تربیتی جهت تبیین برنامه درسی، عناصر و مؤلفه‌های آن را مورد توجه قرار داده‌اند. برنامه درسی را، تعیین هدف، محتوا، روش و ارزشیابی می‌داند. در تبیین برنامه درسی به عناصر، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های ارزشیابی اشاره دارد. همچنین کیفیت به معنای انطباق و تناسب ویژگی‌های با معیارها است. کیفیت آموزشی را می‌توان در رابطه با ویژگی‌هایی از برون‌دادهای آموزشی، پیشرفت تحصیلی فراگیران در قالب ضوابط برنامه درسی، میزان موفقیت نظام آموزشی در دستیابی به اهداف، و میزان تناسب آنچه که تدریس و آموخته می‌شود با نیازهای حال و آینده فراگیران، با توجه به شرایط خاص آنان و چشم‌انداز آینده، توصیف کرد. برنامه‌ریزی درسی به مجموعه فهرست موضوعاتی که بایستی مورد مطالعه قرار گیرد، به مطالب ارائه شده از سوی معلم و یا شیوه ارائه مطالب محدود نمی‌شود، بلکه همه تجربیات برنامه‌ریزی شده‌ای است که به منظور دستیابی به اهداف یادگیری فراگیر، به او ارائه می‌شود برنامه - درسی بایستی مدرسین دانشجو معلمان را ترغیب کند تا: در زمینه تدریس خود پژوهش کنند؛ در گروه‌های بحث شرکت کرده و با متخصصان ارتباط برقرار نمایند؛ در کلاس درس بین محیط‌های یادگیری بیرونی و درونی پیوند برقرار کنند؛ از فرایندهای یادگیری دانشجو معلمان بازخوردهایی را به آنها منعکس کنند؛ و به شهود و الهام بعنوان منبعی عمده برای یادگیری توجه نمایند. بنابراین، ارزشیابی از برنامه درسی باید جهت‌گیری صریح ارزشی داشته باشد و طراحی آن با هدف کمک به ارتقای علمی و بهبود برنامه‌ها از طریق خود ارزشیابی صورت پذیرد و نخستین گام پس ایجاد هر گونه تغییر در ساختار و اهداف جدید یک دانشگاه برای گرفتن بازخورد مناسب و اصلاح نواقص موجود، جهت اینکه بتواند پاسخگوی معیارهایی که بر اساس آن، این ساختار جدید طراحی گردیده، باشد

#### ۴- اهمیت و ضرورت تحقیق

اجرای درست برنامه درسی در همه‌ی سطوح آن از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا برنامه‌ی اجرا نشده همانند برنامه‌ی تولید نشده است و اجرای ناکارآمد، زمینه را برای تولید و اجرای برنامه مشابه در آینده هم غبار آلود می‌کند. وقتی برنامه‌ای نیست، دست کم برخی «آرزوی» آن را در دل خود زنده نگه می‌دارند، اما وقتی برنامه‌ای بد اجرا می‌شود خیلی اشخاص از آن «متنفر» می‌شوند. این وضعیت را می‌توان «آرزو به هنگام نبود» و «تنفر به هنگام بد بودن» نامید. موفقیت در اجرای برنامه درسی وابسته به پذیرش برنامه و توانایی اجرای آن از سوی عاملین اجراست؛ و عامل اجرا افرادی هستند که فراگردهای اجرا را هدایت و حمایت می‌کنند. البته همه‌ی تغییرات حاصل جهت‌دهی عاملین اجرا نیستند. گاه تغییرات طرح‌ریزی نشده به طور تصادفی یا خود جوش رخ می‌دهند و حتی در مقابل تغییرات طرح‌ریزی شده قرار می‌گیرند و ظهوری بارزتر می‌یابند.

## ۵. برنامه درسی تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی مستلزم فراهم کردن زمینه‌های آموزشی و پرورشی خاص برای شکوفایی و تثبیت یک سلسله ارزش‌های اخلاقی فطری است که انسان از آغاز تولد با خود به همراه دارد. ۶ با توجه به آیات اولیه سوره مبارکه شمس، نفس انسان، هم استعداد ترقی و تکامل، و هم استعداد سقوط و تنزل را دارد. انسان اگر نفس خود را «تزکیه» کند، رشد می‌کند و بارور می‌شود. اما اگر آن را «تدسیه» نماید، رو به ضعف و سستی رفته و فاسد می‌گردد. (قادری، حمید؛ شکاری، عباس. ۱۳۹۳).

بنابراین، با توجه به حضور فطری ارزش‌ها در انسان، و با ملاحظه تعریف‌های علمای اخلاق و اندیشمندان تعلیم و تربیت در این زمینه، و با توجه به نقش و کارکردی که برای مدارس بیان شده است، برنامه درسی تربیت اخلاقی عبارت است از: برنامه‌ریزی برای چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی - قابلیت‌های اخلاقی - و همچنین توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، به منظور نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و ناپود کردن آنهاست. این برنامه‌ریزی شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس، شیوه ارزش‌یابی و فضاهای تربیتی است که از طریق آن برای فراگیران، امکان شناخت توانایی‌های خویش و جهان هستی فراهم می‌شود و بر مبنای آن، فعالیت‌ها و استعدادهای فطری خویش را هدفمند می‌سازند.

## ۶- مبنای انسان‌شناختی برنامه درسی تربیت اخلاقی

نقش پیش فرض‌های انسان‌شناختی در نظریه پردازی‌های مربوط به علوم انسانی، بر کسی پوشیده نیست و جهت‌گیری‌های کلی نظریه‌های هر دانشمند، با مبنای انسان‌شناختی او هماهنگ است. همین قاعده در برنامه‌ریزی درسی، که اساس و نقشه راه تعلیم و تربیت، به ویژه تربیت اخلاقی محسوب می‌شود، نیز حاکم است. امام خمینی (ره) در باب ضرورت شناخت انسان، پیش از هرگونه برنامه‌ریزی تربیت، می‌فرماید: از آنجا که انسان موضوع و محور تعلیم و تربیت است، ارائه یک نظام تربیتی صحیح، تنها بر پایه شناخت انسان امکان‌پذیر است و «هر اصلاحی، نقطه اولش خود انسان است.»

اساساً برنامه درسی با پرسش‌های ریشه‌ای و مطرح در فلسفه تعلیم و تربیت رابطه آشکار دارد. بدون پاسخ به این پرسش‌ها، نمی‌توان به برنامه درسی متناسب با نظام اعتقادی و ارزشی در یک نظام دست یافت. از جمله پرسش‌های مطرح در مبنای فلسفی، پرسش از حقیقت و ماهیت انسان است (موسی‌پور، نعمت‌الله و صابری، سیدحسین ۱۳۸۹). از جمله عواملی که موجب می‌شود یک نظام تربیتی به اهداف مطلوب خود در باب تربیت انسان نرسد، عدم درک و شناخت صحیح از انسان است؛ چراکه برخی از متخصصان با پی بردن به بخشی از حقیقت وجود آدمی، آن را کل حقیقت وجود او می‌پندارند و بر اساس آن، اقدامات تربیتی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که محصول آن، به جای انسان کامل، مطلوب تربیت واقعی انسانی تک‌بعدی می‌شود. برخی از اندیشمندان شناخت انسان را غیرممکن می‌دانند و کتاب «انسان موجودی ناشناخته» را تألیف کرده‌اند. بعضی از فلاسفه معتقدند که انسان ابتدا وجود دارد و بعد ماهیت خود را می‌سازد. بعضی دیگر می‌گویند: انسان موجودی است که حد و ماهیتی ندارد و در یک حد معین متوقف نمی‌شود، بلکه پویاست و در این پویندگی حق انتخاب دارد. این پویندگی در جهت کمال تا بی‌نهایت، و در جهت فساد و سقوط تا بی‌نهایت پیش می‌رود. و بالأخره طبق نظریه سوم، که برگرفته از رهنمودهای قرآن کریم است، انسان موجودی است که حد و ماهیتی ندارد و در یک حد معین متوقف نمی‌شود، بلکه در جانب سیر صعودی و سیر نزولی پویا و در نوسان است. به عنوان نمونه، خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» این در نوسان بودن حالت انسان، ناشی از اعمال و رفتار اختیاری اوست. (عارفی، محبوبه؛ فردانش، هاشم. ۱۳۸۴). اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اگر به انسان از منظر دین توجه کنیم، چه ملاحظاتی در خصوص انسان و نسبت به برنامه درسی تربیت اخلاقی، به عنوان طرح و نقشه یادگیری می‌توان در نظر گرفت. از منظر دین اسلام، انسان موجودی است دارای استعدادهای فطری عالی و چندبعدی، که هر یک از این ابعاد در کمال انسان نقش ویژه‌ای دارند. بنابراین، برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی گردد که همه ابعاد وجودی انسان را در برگیرد و با فطرت او سازگار باشد.

## ۷- عناصر برنامه درسی

تعداد عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی، بر اساس دیدگاه‌های مختلف، متفاوت بیان شده است. بعضی چهار عنصر و برخی نه عنصر را پذیرفته‌اند. چهار عنصری که مورد اتفاق همه برنامه‌ریزان می‌باشد، عبارتند از: اهداف، محتوا، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری دانش‌آموزان، و روش‌های ارزشیابی. برخی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی عوامل و عناصر دیگری را از قبیل فضا، زمان، ابزار یادگیری، گروه‌بندی دانش‌آموزان و راهبردهای تدریس را هم به این مجموعه اضافه کرده‌اند. (عبدی، علی ۱۳۸۴).

#### ۸- اهداف یا آرمان برنامه درسی تربیت اخلاقی

یکی از ابعاد اساسی در برنامه درسی، هدف یا آرمان برنامه درسی است. ارزش هر برنامه به هدفی است که آن را تعقیب می‌کند. هویت برنامه درسی تربیت اخلاقی، به اهدافی است که دنبال می‌کند. هدف یا آرمان نهایی برنامه درسی تربیت اخلاقی، باید با این نگاه به انسان که او موجود شریفی است که برای هدفی شریف خلق شده است، ترسیم شود. اهداف چنین برنامه‌ای باید به طور متوازن در جهت تأمین نیازهای روانی زیستی و نیازهای فطری و معنوی انسان باشد؛ از جمله این نیازها، تمایل فطری به کمال‌طلبی، سعادت‌طلبی و شکوفا شدن استعدادهاست (خلخال، مرتضی. ۱۳۷۳). بر اساس انسان‌شناختی اسلامی و توحیدی، برنامه درسی زمانی می‌تواند در جهت تحقق این نیازها گام بردارد و داعیه برآورده کردن این نیازها را داشته باشد که بر اساس جهان‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناختی توحیدی بنا شده باشد؛ یعنی سه رکن اساسی در جهت اهداف همین‌ها هستند. اجمالاً در زمینه آرمان و اهداف تربیت اخلاقی اسلامی، باید گفت: هدف نهایی تربیت اخلاقی، افزایش مراتب و درجات قلبی است که در سایه معرفت الهی، تحصیل علم و آگاهی از آنچه باید به آن متخلّق شویم و تقویت گرایش نسبت به چیزهایی که متخلّق شدن به آنها لازم است و از بین بردن موانع تکامل و عوامل سقوط انسان، که تحت عنوان کلی «هوای نفس» از آن یاد می‌کنند؛ از این رو، با فراهم کردن این مقدمات، شخص شایستگی لازم را برای تقرب به خدا پیدا می‌کند. بنابراین، در هدف‌گذاری و آرمان‌گزینی، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- برنامه درسی باید به عنوان یک نقشه راه در خدمت رشد، تکامل، توسعه و پرورش استعدادها، توانمندی‌ها، قدرت تجزیه و تحلیل، و تطابق علم و عمل در فراگیران باشد؛

۲- آرمان تربیتی برنامه درسی باید منجر به پرورش انسان خردمند شود؛ انسانی که در اثر ایمان و تزکیه، صاحب بصیرت شده و با هشیاری قدم به عرصه تربیت خویش می‌گذارد.

۳- قلمرو اهداف تربیت اخلاقی در برنامه درسی نباید به تبیین منازعات و مشاجرات ذهنی و نظری دیدگاه‌ها ختم شود، بلکه در ترسیم اهداف باید به جنبه‌های عملی اخلاق توجه خاص شود. در برنامه درسی باید راه‌های وصول به الله، اعتقاد به خدا، جاودانگی نفس و قرب الی‌الله تبیین شود.

#### ۹- توجه به نقش محیط و فضا در برنامه درسی

یکی از عوامل بیرونی مؤثر در تربیت اخلاقی، محیط انسانی و طبیعی است. سخن از تأثیر محیط طبیعی بر تربیت دینی و اخلاقی، دارای پیشینه بلند می‌باشد. طرفداران نظریه شناختی - اجتماعی، معتقدند که رفتار فرد تحت تأثیر نیروهای اجتماعی است، ولی چگونگی برخورد و چگونگی تأثیرگذاری بر نیروهای اجتماعی در اختیار فرد است. در این دیدگاه، «انسان موجودی فعال و در عین حال، به شکلی قانون‌مند تحت تأثیر محیط است. به این ترتیب، فرد و محیط بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.» بنابراین، نقش محیط و فضا را در تربیت به طور عام، و در تربیت اخلاقی به طور خاص، نمی‌توان منکر شد.

در صدر اسلام، اولین مکان تعلیم و تربیت مسجد و محور این آموزش، قرآن کریم بوده است. این سیره در زمان ائمه معصومین (ص) نیز رایج بوده است. بنابراین، مسجد در واقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. با اندک تأمل روشن می‌شود که این کاربرد مسجد در آن زمان، نقش مراکز یادگیری پیشرفته امروزی را ایفا می‌کرده است. این شیوه کار انبیا (ص)، یادآور این نکته کلیدی است که فضای معنوی و محیط یادگیری‌ای که روح معنویت در آن حاکم است، از قبیل حضور در مسجد و دیدن جلوه‌هایی از کارکردهای تربیتی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اسلام، نقش بسزایی در آشنایی با بایسته‌های زندگی یک دانش‌آموز مسلمان دارد.

امروزه در میان متخصصان برنامه‌ریزی درسی، این پرسش مطرح است: همان‌طور که در طراحی برنامه درسی به هدف، روش یادگیری، محتوا و ارزشیابی دقت می‌شود، آیا باید به نقش فضا و محیط هم توجه شود؟ بر اساس برخی از دیدگاه‌های برنامه درسی، یکی از عناصر دخیل در طراحی برنامه درسی، فضا و مدرسه است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و در اجتماع زندگی می‌کند، پس از خانواده، یکی از مؤثرترین نهادهای تأثیرگذار بر پایه‌های تربیت، به ویژه تربیت دینی و اخلاقی، مدرسه است. تربیت اخلاقی نیز بدون شک متأثر از محیط می‌باشد. از جمله محیط‌هایی که دانش‌آموزان از آن تأثیر می‌پذیرند، مدرسه است. مدرسه و کلاس درس، به وجود آورنده فضایی است که دانش‌آموزان در آن تربیت می‌شوند. (ملکی، حسن؛ محمدی‌مهر، مژگان ۱۳۸۸).

دانش‌آموزان بسیاری از گرایش‌ها و ارزش‌ها را از فرهنگ حاکم بر مدرسه می‌آموزند. منظور از «فرهنگ»، معارف، گرایش‌ها و ارزش‌های رایج در محیط مدرسه است. مدرسه‌ای که کادر آن میان دانش‌آموزان تفاوتی قائل نمی‌شوند، به دانش‌آموزان ارزش برابری انسان‌ها را می‌آموزد و آنان را متوجه این نکته می‌کنند که ارزش هر انسانی، در گوهر وجودی او نهفته است، یا معلمی که به انجام وظایف خود در زمان مقرر اهمیتی نمی‌دهد، این معلم به طور ناخودآگاه جنبه بی‌تعهدی و بی‌نظمی را ترویج می‌کند، یا نوع برخورد و روابط حاکم در مدرسه و کلاس درس، می‌تواند استبدادی یا آزادمنشانه باشد. اینها در رفتار دانش‌آموزان تأثیرگذار است. (کاشف، مجد ۱۳۷۸).

بنابراین، برنامه درسی، ساختار اداری، فیزیکی و ظاهری مدرسه، تعامل معلم با دانش‌آموزان و نیز تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر در مدرسه، نقش جدی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این تأثیر می‌تواند در بُعد منفی و یا در بُعد مثبت باشد. سه راه اساسی برای انتقال ارزش‌های اخلاقی در مدارس وجود دارد: برنامه درسی رسمی، برنامه درسی پنهان، و تعاملات شخصی بین معلمان و دانش‌آموزان. در مجموع، همه فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، که در مدارس و نهادهای آموزشی انجام می‌گیرد، تأثیر ضمنی خود را بر عقاید، رفتار و نگرش فراگیران می‌گذارد. (خلخالی، مرتضی ۱۳۷۳). از این تأثیرات ضمنی، در برنامه درسی، به برنامه درسی پنهان یا پوچ تعبیر می‌شود. بنابراین، اگر یکی از تجارب تربیتی فراگیران، تربیت اخلاقی بود، نباید از نقش مدرسه و آنچه که در این فضا می‌گذرد، غافل شد. فضایی که دانش‌آموز ابتدایی برای فراگیری نیاز دارد، غیر از فضای مطلوب برای دانش‌آموزان مقاطع بالاتر تحصیلی است. برای کودک ابتدایی، فضای آماده شده باید بسیار زیبا و جذاب و متناسب با سن وی باشد. باید گفت: فضای یادگیری باید:

- حاوی مواد و منابعی باشد که ارزش‌های اخلاقی در آن مورد احترام باشند؛
- معنویت را در دانش‌آموزان تقویت کند؛
- فعالیت‌های گروهی، بر محور ارزش‌های مورد قبول باشد؛
- هرگونه تعاملی باید بر محور دستورات و تعالیم دینی اسلام باشد؛
- محیط یادگیری با سطح رشد دانش‌آموزان هماهنگ باشد؛
- محیط یادگیری فضایی دلسوزانه و سرشار از اعتماد بین شاگردان و معلم باشد، به گونه‌ای که دانش‌آموز از بیان ایده‌های خود ترسی نداشته باشد.

### نتیجه‌گیری

برنامه درسی وسیله‌ای برای حرکت دادن گام‌به‌گام انسان به سوی زندگی متعالی و کمال نهایی است. همچنین برنامه درسی تربیت اخلاقی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی باشد که به وسیله آن می‌توان در جهت دستیابی به ابعاد مختلف تربیت اخلاقی گام برداشت. یکی از مبانی بسیار تأثیرگذار در برنامه درسی، مبانی انسان‌شناختی است که بر اساس این مبانی اصول، روش‌ها و اهداف طراحی می‌شوند. در دهه‌های اخیر متخصصان برنامه درسی، به منظور پر کردن خلأهای موجود در برنامه درسی، رویکرد تلفیق یا درهم‌آمیختن موضوع‌های درسی را (حوزه‌های محتوایی)، که اغلب به صورت مجزا از یکدیگر در برنامه درسی قرار داده می‌شود، به عنوان راه علاج انتخاب کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد، به دلیل تنوع مبانی دیدگاه‌ها، این راه چاره نیست. به نظر می‌رسد، الگوی مناسب در طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی، که با نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی سازگار باشد،

رویکرد تلفیقی فطرت‌گراست. این رویکرد، برخاسته از دیدگاه اسلام نسبت به انسان‌شناختی دینی است. در این دیدگاه، «فطرت» نقش محوری دارد. تأکید بر این اصل، موجب تفکیک مربیان و سیاست‌گذاران تحلیل‌گر تربیت اسلامی، از طرفداران اجتماعی افراطی می‌شود.

برخی از شاخص‌ها یا اصولی که باید در طراحی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی مورد توجه برنامه‌ریزان باشد، توجه به «انتخاب‌گر بودن» و داشتن حق «گزینش آزاد» است. بنابراین، آدمی حق دارد در تثبیت جنبه‌های انگیزشی، شناختی و عاطفی خود از روش تربیتی خودمهارى استفاده کند. از این‌رو، آنچه امر تعلیم و تربیت را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مربیان تسهیل می‌کند، تلاش‌های متربی یا فراگیر است و نباید نقش فراگیران در رسیدن به هدف تربیتی را منکر شد و یا از آن غفلت کرد. توجه به این رویکرد، برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان عرصه‌ی برنامه‌ریزی درسی را به سمت اصولی، همچون «فطرت انسانی»، «کمال‌گرایی انسانی»، «رشد همه‌جانبه انسان»، «زیباگرایی انسان»، «آزادی و اختیار فرد در راستای هدف» و «نقش معلم به عنوان الگوی کامل تربیتی» هدایت می‌کند. عنایت به این اصول سبب می‌شود که برنامه‌ریزان درسی، استعدادهاى فطری را شناسایی کرده و برای شکوفایی آنها برنامه‌ریزی کنند و از شیوه‌هایی که موجب سرکوب این ظرفیت‌ها می‌شود، اجتناب ورزند. در دهه‌های اخیر متفکرین، مانند حضرت امام خمینی، علامه شهید مطهری و علامه مصباح‌یزدی، در تبیین معارف دینی و سلوک اخلاقی چنین رویکردی داشته‌اند. بر اساس رویکرد فطرت‌گرا و توجه به بُعد زیباگرایی انسان، در ارائه معارف دینی در قالب برنامه‌ی درسی، باید آن‌چنان ظرافت به خرج داد که از یک سو، معارف را در نهایت اتقان همان‌طور که هستند عرضه کرد تا مخاطب قانع شود؛ از سوی دیگر، احکام عملی باید به صورتی بیان گردد که یک زندگی زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم کند، به گونه‌ای که فراگیر احساس کند رعایت آداب دینی و اخلاقی، نه تنها محدودیت نمی‌آورد، بلکه تعالیمی کارآمد و زندگی‌ساز است. نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک از ارزش‌های اخلاقی و به لحاظ رشدنایافتگی او از لحاظ اجتماعی، بیشترین تلاش مربیان در این مرحله، باید متوقف بر ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک نسبت به ارزش‌ها و مفاهیم و اعمال اخلاقی باشد. مؤانست کودک با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و پیوند آن با وجدان اخلاقی فطری، زمینه مناسبی است که اوامر و نواهی به تدریج برای کودک بیان گردد و کودک تصویر روشنی از بایدها و نبایدها داشته باشد

#### منابع:

- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۷۴). بررسی توان دانشگاهها در استفاده از مصوبه شورای عالی برنامه‌ریزی در خصوص واگذاری پاره‌ای از اختیارات شورا به دانشگاهها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱.
- اخلاقی، فائزه؛ یارمحمدیان، محمدحسین؛ خوشگام، معصومه؛ محبی، نوشین. (۱۳۹۰). ارزشیابی کیفیت برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی با استفاده از الگوی ارزشیابی CIPP. اطلاعات سلامت، دوره ۸، شماره ۵، آذر و دی، صص ۶۲۹-۶۲۱.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). نقد و بررسی رویکردهای تدریس فکورانه به منظور آرایه‌ی برنامه‌ی درسی تربیت معلم فکور. فصلنامه مطالعات برنامه‌ی درسی، صص ۳۰-۶۶.
- بیکاس سی، سانپال. (۱۳۷۷)؛ مترجم داوود حاتمی، تحول در سیاستگذاری و اعمال مدیریت در آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- توانا، داریوش. (۱۳۷۳). بررسی پیرامون معیارهای ارزشیابی مدرسین درس روش تدریس ریاضی ابتدایی در مراکز تربیت معلم استانهای فارس و بوشهر. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- چاکر، دونالد و آرتور و ریچارد هاینز. (۱۳۷۶). مدارس برتر جهان، استانداردهای جدید آموزش و پرورش، ترجمه مرجان مرنیدی، دفتر همکاری‌های بین‌المللی، وزارت آموزش و پرورش.
- خلخال، مرتضی. (۱۳۷۳). در هم تنیدن برنامه‌های درسی در آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. شماره ۲ سال ۲.
- دهقانی، مرضیه؛ سیدعباسزاده، میرمحمد؛ جعفری‌ثانی، حمید. (۱۳۸۸). چالش‌های مدیریتی در اجرای برنامه‌های درسی دانشگاه هادر مقایسه با آموزش و پرورش. پاییز، صص ۱۲۲-۱۲۶.

سلسبیلی، ناصر (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه ی درسی با تاکید بر برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال اول، شماره ۴.

سیلور، جی گالن، الکساندر، ویلیام ام؛ و لوئیس، آرتورجی. (۱۳۷۷). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

عارفی، محبوبه؛ فردانش، هاشم. (۱۳۸۴). سیر تحول برنامه های درسی رشته مدیریت آموزشی و رویکردهای آن در امر آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره ی ۲ شماره ۳ و ۴.

عبدی، علی. (۱۳۸۴). ارزیابی کیفیت برنامه درسی برنامه درسی در دانشکده تحصیلات تکمیلی. تهران، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

الف.لوی. (۱۳۸۶). مبانی برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی مدارس، ترجمه: فریده مشایخ؛ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ بیست و پنجم، صص ۲۴-۲۵.

قادری، حمید؛ شکاری، عباس. (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت برنامه درسی گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان. پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۴، تابستان، صص ۱۶۲-۱۴۷.

قورچیان، نادرقلی؛ تن ساز، فروغ. (۱۳۷۴). سیمای روند تحولات برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز. تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

کاشف، مجد. (۱۳۷۸). ارزشیابی برنامه درسی جدید تربیت بدنی مراکز تربیت معلم از نظر پاسخگویی به نیازهای حرفه های دانشجو معلمان از دیدگاه مدرسان، مدیران و دانشجویان. پایانامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

معتمدی، عبدالله. (۱۳۷۳). بررسی نحوه ارزشیابی مدرسین درس شیوه های ارزشیابی مراکز تربیت معلم. پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

ملایی نژاد، اعظم؛ ذکاوتی، علی. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی نظام برنامه درسی تربیت معلم در کشورهای انگلستان، ژاپن، فرانسه، مالزی و ایران. Archive of SID، صص ۳۶-۴۱.

موسی پور، نعمت الله؛ صابری، سیدحسین. (۱۳۸۹). ارزشیابی استلزامات و اقتضائات اجرایی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز، صص ۶۲-۸۸.